

بررسی خروج زوجه از منزل و اذن زوج از دیدگاه فقه امامیه

فریده کیان فرد^۱

^۱ اشتغال به سطح چهار (دکتری) رشته فقه خانواده، پژوهشگر، فعال فرهنگی و معاون پژوهش حوزه علمیه فاطمیه (س)، شیراز، استان فارس، ایران

چکیده

ازدواج پیمانی است دو طرفه که به موجب آن هر یک از زن و شوهر نسبت به هم دیگر دارای تکالیف و حقوقی خواهند می شوند، یکی از این حقوق حق تمکین است که یکی از مصادیق آن، عدم خروج زن، از منزل بدون اذن شوهر خارج می باشد، در این ارتباط روایات فراوانی وجود دارد که در آنها زنان به اذن گرفتن از شوهر در انجام پاره‌ای از اعمال عبادی مستحب همچون روزه، اعتکاف و حج یا اعمال غیرعبادی نظیر خروج از منزل یا نذر و قسم و... مورد سفارش قرار گرفته اند که لازم است با بررسی دلالت این روایات محدوده لزوم اذن شوهر در انجام این قبیل امور تبیین گردد، از این رو در این نوشتار، برای رسیدن به هدف، با کمک منابع کتابخانه‌ای، به روش نقلی، تحلیل و توصیف مسئله انجام شده است؛ آنچه از این روایات به دست می آید این است که شوهر در محدوده استمتاع از زوجه، بر او ولایت دارد و می تواند وی را از انجام هر کاری که با این حق در تنافی است، منع کند، اگرچه غالب مردان در فحوا، به خروج های رایج روزانه راضی هستند.

واژه‌های کلیدی: اذن، تمکین، حق استمتاع، خروج زن از منزل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

عقد نکاح مانند دیگر عقود شرعی، حقوقی را برای هر یک از طرفین عقد یعنی زن و شوهر در قبال یکدیگر ایجاد می کند و از جمله این حقوق تمکین زن در مقابل مرد است این لزوم ناشی از قوامیت مرد نسبت به زن و مسئولیتی است که از جانب خداوند برای مدیریت و حفاظت از خانواده و تدبیر امور مربوط به آن بر عهده مرد قرار داده است، البته تا جایی که اطاعت مردم موجب معصیت الهی نشود، از طرفی مسائل مربوط به خانواده و زوجین از موضوعاتی است که از دیرباز مورد توجه فقها بوده و در کتب فقهی خود فروع فراوانی را در مورد آن مطرح کرده اند ولی در آثار فقهی علما به موضوع مد نظر به صورت مدون و در بایستی مستقل تحت همین عنوان پرداخته نشده است، شاید بتوان گفت دلیل این مسئله این است که موضوع مورد تحقیق، به عنوان یک فرع فقهی، قابلیت بحث و بررسی را در باب خاصی از فقه نداشته و در چندین باب از ابواب فقهی وجود دارد، از این رو نظرات فقها را در کتب فقهی پیرامون موضوع و مصادیق آن باید در ابواب مختلف نظیر کتاب النکاح، کتاب الصوم، کتاب النذر و... جستجو کرد، اختلاف درباره تعیین حدود تمکین و نشوز یکی از مباحثی است که باعث بسیاری از اختلافات بین زوجین می شود، تغییر در عرف زندگی امروزه، تاثیر رسانه ها و همچنین تغییر در سبک زندگی باعث برداشت های مختلفی از این حکم و در بسیاری از موارد رعایت نکردن این حکم شرعی باعث اختلاف و تزلزل نظام خانواده شده است، اسلام بر زن واجب کرده است که فرمانبردار شوهر خویش باشد و بدون اجازه او از خانه خارج نشود، از سویی فقهای مذاهب مختلف اسلامی، اصل لزوم استیذان زوجه برای خروج از منزل را پذیرفته اند و در منابع شیعه و سنی روایات متعددی در خصوص لزوم اطاعت زن از شوهر در این مورد نیز وارد شده است، بحث و اختلاف نظر در این است که محدوده اذن برای خروج از منزل چه مقدار است، از آنجا که این مسئله اکنون مورد ابتلای جامعه است چرا که برخی از مردان از این حق سوء استفاده نموده و برای آزار و اذیت زن یا برای وادار کردن او به طلاق و بخشیدن مهریه و سایر انگیزه ها اقدام می کنند ضرورت بررسی این محدوده بیشتر احساس می شود، لذا در این نوشتار ضمن تعیین دقیق محل نزاع، ادله جواز و عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر مورد بررسی قرار می گیرد چرا که در ابهام زدایی از موضوع، بررسی حدود و جوانب آن می تواند راهگشا باشد.

(۱) مفهوم شناسی**(۱-۱) تقلید در لغت**

اذن در لغت به معنای اجازه دادن، رخصت، مرخص کردن آمده است (حسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۰۶)

(۱-۲) اذن در اصطلاح

اذن در اصطلاح به معنای ابراز رضایت است، به این معنا که ذن در واقع، رخصت در تصرف از سوی مالک یا کسی که به

منزله مالک است. (حسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۵۰۶)

تفاوت اذن با اجازه این است که اذن پیش از تصرف و انجام دادن کار و اجازه بعد از آن است. همچنین تفاوت آن با رضا این است که رضا امر باطنی است که به صورت اذن یا اجازه ابراز می شود و فرق آن با وکالت این است که اذن ایقاع و وکالت عقد است. (نجفی، ۱۳۶۵، ۲۷، ۳۵۷) دیگر این که از اذن در بیشتر باب های فقهی اعم از عبادات، عقود، ایقاعات و احکام سخن گفته شده است.

۲) ارکان و شرایط اذن

۲-۱) ارکان اذن

ارکان اذن عبارت است از اذن (اذن دهنده)، مأذون (کسی که به او اذن داده شده است) و مأذون فیه (مورد اذن).

۲-۲) شرایط اذن دهنده، مأذون و مورد اذن

۲-۲-۱) شرایط اذن دهنده

- ۱) مالک بودن: خواه مالک حقیقی یا مالک اعتباری و یا به منزله مالک باشد همچون ولی یا وکیل
- ۲) اهلیت داشتن در تصرف: بدین معنا که عاقل، بالغ، رشید و آزاد باشد.
- ۳) مهجور نبودن: بنابراین اذن مفلس پس از حکم حاکم شرع به افلاس وی، نسبت به تصرف در اموالی که متعلق به حق طلبکار است، نافذ نیست.
- ۴) در اذن دادن مختار باشد نه مکره؛ اذن مضطر صحیح و نافذ است.
- ۵) اذن در حوزه صلاحیت صاحب حق باشد. برای مثال اذن متولی وقف، در استفاده از موقوفه در قلمرو مفاد وقف صحیح است.

۲-۲-۲) شرایط شخص مأذون

الف) صدور فعل مورد اذن از مأذون، از نظر شرع صحیح و بدون مانع باشد مانند تصرفات عقدی از قبیل خرید و فروش که مأذون باید از نظر شرع اهلیت آن را داشته باشد برای مثال عاقل و بالغ باشد. ب) مأذون باید از نظر شرع، اهلیت آن را داشته باشد.

۲-۲-۳) شرایط مورد اذن

۱) صدور آن از نظر شرع جایز باشد. بنابراین اگر فردی به دیگری اذن بدهد که او را بکشد اذن او موجب رفع حرمت این کار از فرد دیگر نمی شود.

۲) مأذون فیه، متعلق حق دیگری نباشد. از این رو اذن مالک به تصرف در مال رهنی صحیح و نافذ نیست.

۳) اقسام اذن و راه های اثبات آن

۳-۱) اقسام اذن

برای اذن تقسیمات متفاوت ذکر شده است، که به صورت مختصر به موارد آن اشاره می شود:

۳-۱-۱) به اعتبار اذن دهنده:

اذن به اعتبار یاد شده به اذن شرعی و اذن مالکی تقسیم می شود، اذن دهنده در اذن شرعی، شارع و در اذن مالکی، مالک است.

۳-۱-۲) به اعتبار مأذون و مورد اذن

اذن به اعتبار یاد شده به اسم عام و اذن خاص تقسیم می شود، اذن عام به اعتبار مأذون، مانند مهمانی های عمومی از قبیل افطاری یا غذا دادن در مراکز عمومی مانند مسجد و حسینیه و از جهت مورد اذن مانند اذن مالک به تصرف دیگری در همه اموالش و از هر دو جهت، مانند آن که گفته شود: هر کس زمین مواتی را احیا کند، از آن او باشد و اذن خاص به اعتبار مأذون و مأذون فیه و مانند آن که مالک باغ به فردی خاص اذن دهد که از میوه های درختی معین بخورد.

۳-۱-۳) به اعتبار کیفیت تحقق

اذن به این اعتبار به اذن صریح، اذن فحوای و اذن شاهد حال تقسیم می شود، اذن صریح مستفاد از مدلول لفظ یا نوشته، با یکی از دو دلالت مطابقی یا تضمنی است، دلالت مطابقی مانند آن که میزبان به مهمان بگوید: به تو اذن دادم و تضمنی مانند آن که میزبان به مهمان بگوید: غذا بخور که از آن به طور ضمنی، جواز خوردن هر نوع غذای موجود در سفره استفاده می شود، اذن فحوا، از لفظ به دلالت التزامی عقلی، عرفی و یا عادی فهمیده می شود، اول مانند اذن در خوردن غذا که از نظر عقلی مستلزم از بین بردن آن است دوم مانند اذن به شرکت در مجلس عزا که در عرف ملازم باهمراه آوردن کودک نیز می باشد و سوم مانند اذن به خوردن میوه از درخت به طور عادی مستلزم چیدن آن از درخت نیز هست. اذن به شاهد حال: از قرائن حالی مانند دوستی و خویشاوندی فهمیده می شود.

۳-۲) راه های اثبات اذن

به دست آوردن اذن یا از راه لفظ یا نوشته یا فعل مانند اشاره یا قرینه حالی مثل «شهادت حالت انسان» و یا سکوت در خصوص ازدواج دختران.

۴) آثار اذن و نحوه بدست آوردن آن

۴-۱) آثار اذن

اذن از دو بعد تکلیفی و وضعی دارای آثاری است؛ که به صورت مختصر مورد بررسی و ارزیابی قرار می گیرد:

۱) آثار تکلیفی

تصرف در مال دیگری بدون اذن او، حرام است اثر اذن، رفع حرمت است.

در تصرف غیر مالی، اگر جواز تصرف متوقف بر اذن باشد، تصرف بدون اذن حرام است مانند توقف جواز خروج زن از

منزل بر اذن شوهر که بیرون رفتن زن بدون اذن شوهر، حرام و با اذن او جایز است.

۲) آثار وضعی

آثار وضعی اذن عبارت است: الف: از ضمان یا عدم ضمان و مجرد اذن به تصرف، ضمان را از تصرف کننده بر نمی دارد.

ب) ملکیت یا حق اختصاصی، اذن در امور مالی یا مفید ملکیت است یا حق اختصاصی را موجب می شود.

نکته مورد توجه این است، که اذن دهنده می تواند از اذن خود باز گردد مگر مانعی باشد مانند کسی که اذن داده تا

میتی را در ملکش دفن کنند و سپس بعد از دفن از اذن خود برگردد حرمت نیش قبر مانع آن است. (نجفی، ۱۳۶۵، ۴۳، ۱۱۷-۱۲۱)

(فاضل نراقی، ۱۴۰۸، ۴۱-۳۳) (هاشمی شاهرودی، ۱۳۸۹، ۳۶۲-۳۵۹)

۴-۲) قلمرو استیذان

خروج زن از منزل و چگونگی اجازه گرفتن از همسر صورت های مختلفی دارد که عبارت است از الف: اگر در ضمن عقد

نکاح، شرط شود که زن اجازه خروج از منزل را داشته باشد یا آن که عقد مبتنی بر اجازه خروج زن از منزل منعقد گردد مانند

آنکه زن اشتغال به کاری در خارج از منزل داشته و عقد ازدواج با علم شوهر از وضعیت کار زن و با توافق ضمنی یا صریح واقع

گردد در این صورت به نظر مشهور فقهای امامیه، برای خروج از منزل در راستای کار مربوط، زن نیازمند اذن شوهر نیست و

این حالت مسلماً محل بحث نیست چراکه اذن همسر در این مورد جایگاهی ندارد. ب) صورت دوم خروج زن از منزل برای

انجام فعل واجب همانند انجام حج واجب یا فراگیری احکام واجب باشد در صورتی که در منزل فراگیری آن ممکن نباشد در

این صورت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز است و در این زمینه میان فقهای امامیه اختلافی وجود ندارد. (شهید ثانی،

۱۱۹۸، ۸، ۴۴۶؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۵۶۹؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴، ۷، ۵۱۶؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۳، ۱۰۸؛ فخر المحققین،

۱۳۸۹، ۳، ۲۷۴؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۳۱، ۳۱۴)

صاحب جواهر نیز معتقد است اگر زن برای انجام واجب مضیق همانند حج واجب و مانند آن بدون اذن شوهر مسافرت

کند نفقه او ساقط نمی شود بلکه همچنان، مستحق نفقه خواهد بود زیرا زن در این صورت معذور است «و لا طاعة لمخلوق فی

معصیه الخالق». (نجفی، ۱۳۶۵، ۳۱، ۳۱۴)

در این باره، محقق حلی می فرماید: « اگر زن برای انجام واجب مانند حج واجب بدون اذن شوهر، مسافرت کند نفقه او ساقط نمی شود» (محقق حلی، ۱۴۰۸، ۵۶۹)

همین طور اگر شوهر، نفقه واجب زن را نپردازد و راهی برای الزام او نباشد و زن مجبور شود برای تامین مخارج خود کار کند، در این صورت نیز خروج زن از منزل برای کار، بدون اذن شوهر، جایز است. بنا بر این می شود گفت که جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر برای انجام واجب مورد اتفاق نظر همه فقهای امامیه است، ولی آنچه مورد بحث است، خروج زن از منزل برای انجام عمل غیر واجب است که به دو شکل قابل تصور است: الف) خروج زن منافی حق استمتاع مرد باشد، در این صورت، فقهای امامیه اتفاق نظر دارند که خروج زن از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست؛ زیرا مشهور فقیهان امامیه به طور مطلق خروج زن از منزل را برای انجام غیر واجب ممنوع می دانند خواه با حق استمتاع شوهر منافات داشته باشد یا نداشته باشد. (مفید، ۱۴۱۳، ۳۸؛ طوسی، ۱۳۸۷، ۴، ۳۳۱؛ نجفی، ۱۳۶۵، ۳۱، ۱۴۷؛ فاضل هندی، ۱۴۲۴، ۷، ۳۱۶؛ سبزواری، ۱۴۲۳، ۲، ۲۵۱؛ شهید ثانی، ۱۱۹۸، ۸، ۳۰۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۹، ۳، ۱۰۸؛ ابن زهره، ۱۴۱۷، ۳۵۳)

ب) خروج زن منافی حق استمتاع مرد نباشد، اگر خروج زن از منزل، برای انجام فعل واجب نباشد و با حق استمتاع شوهر نیز منافات نداشته باشد مانند اینکه خانم خانه، به نحو متعارف و معقول هنگامی که شوهر در سفر یا محل کار است، بدون اذن وی از منزل خارج شود، در این فرض میان فقهای امامیه، اختلاف نظر وجود دارد و مشهور فقهای امامیه قائل به عدم جواز خروج زن از منزل در این صورت شده اند، ولی برخی قول به جواز را اختیار کرده اند، آنچه که نزد فقیهان در این مسئله محل نزاع هست همین فرض است. بنابراین آنچه باید مورد بحث و بررسی قرار گیرد این است که آیا بیرون رفتن زن از منزل بدون اذن شوهر، برای انجام فعل غیر واجب در صورتی که با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد جایز است یا خیر؟ در مقابل قول مشهور، برخی دیگر از فقها معتقد هستند که خروج زن از منزل تا زمانی که منافاتی با حق تمتع مرد نداشته باشد اشکال ندارد، در این میان فقهایی مانند آیت الله خویی گرچه در نهایت از باب احتیاط نظر مشهور را برگزیده اند ولی در مقام فتوا، عدم جواز خروج زن از منزل را منوط به منافات داشتن آن با حق شوهر دانسته و فرموده اند در صورتی که خروج زن از منزل با حق کامجویی شوهر، منافات داشته باشد خروج وی از منزل بدون اذن شوهر جایز نیست.

۵) بررسی اقوال و نظریه فقها

به طور کلی در مسأله مورد بحث، دو قول مطرح شده است، گروهی از فقها استیذان از زوج را به طور مطلق واجب می دانند و گروهی دیگر استیذان را مقید به قید منافات داشتن با حق استمتاع از زوجه دانسته اند.

۵-۱) عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

مشهور فقهای امامیه، خروج زن از منزل بدون اذن شوهر را به طور مطلق ممنوع می‌دانند گرچه خروج وی از منزل با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد، شیخ مفید در این زمینه می‌فرماید: «بر زن است که از شوهر خود اطاعت کند و او را در غیر آن چه که خداوند حرام فرموده، نافرمانی نکند و حق ندارد از منزلش بدون اذن او خارج شود.» (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۳۸)

این گروه به ادله متعددی از آیات و روایات در این باب استناد کرده اند، که به مهمترین آنها، اشاره می‌شود، «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ» (نساء/۳۴) مردان سرپرست و نگهدارندگان زنان هستند به خاطر برتری هایی که خداوند برای بعضی نسبت به بعضی دیگر قرار داده است و به خاطر انفاق هایی که از اموال شان می‌کنند.

برخی از فقها، از این آیه قیومیت و سلطه بی قید و شرط مردان بر زنان را استفاده کرده اند به گونه ای که مردان بر زنان ولایت داشته و نسبت به آنها حق امر و نهی دارند در نتیجه، مرد می‌تواند زن را نسبت به خروج از منزل، منع کند گرچه خروج منافاتی با کامجویی زوج نداشته باشد.

دقت در معنای لغوی واژه قوام و کلمات صاحب نظران، این نتیجه را به دنبال دارد که دیدگاه یاد شده صحیح نبوده و مراد از قوام بودن مرد، دال بر سلطه بی قید و شرط او بر زن و لزوم اطاعت مطلق زن از شوهر نیست بلکه قوام بودن مرد به معنای ریاست مرد در چهارچوب مصالح و منافع زن است. در لسان العرب آمده است: گاهی قیام به معنای محافظت و اصلاح است و سخن خداوند متعال که فرمود: "الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ" از این قبیل است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۲، ۴۹۷) در کتاب العین نیز بیان شده که قیام قوم کسی است که امور آنها را اداره کرده و آنها را اصلاح می‌کند. (فراهیدی، ۱۳۸۳، ۳، ۱۵۴۳) در آیه دیگر به این صورت آمده است:

«وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَى» (احزاب/۳۳)؛

«و در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین به خودنمایی بیرون نیایید»

برخی فقها برای اثبات ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به این آیه تمسک کرده‌اند زیرا خداوند متعال به همسران پیامبر (ص) به طور مطلق، دستور داده که در خانه هایشان بمانند و بیرون نروند چرا که قرن، از ریشه قرار به معنای ثبات است. (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ۳۹۷)

اگرچه محتوای این آیه خطاب به همسران پیامبر (ص) می‌باشد، اما تنقیح مناط اثبات می‌کند که آیه خصوصیتی ندارد به ویژه آنکه خصایص پیغمبر (ص) و همسران او در قرآن و روایات ذکر شده است. (فاضل مقداد، ۱۳۷۳، ۲، ۲۴۸-۲۳۷) از دقت در مفاد این آیه و آیه قبل به دست می‌آید که این آیه دلالتی بر ممنوعیت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر ندارد اگرچه تنقیح مناط درست است و آیه مورد بحث، اختصاص به همسران پیامبر (ص) ندارد ولی آیه با جواز یا عدم جواز خروج زن از منزل و حق شوهر ارتباطی ندارد زیرا به قرینه محتوای آیه پیشین معلوم می‌شود که موضوع بحث آیه، حفظ عفت و حجاب است و به بحث مذکور ربطی ندارد.

مشهور علاوه بر آیات، به روایات متعددی نیز استناد کرده اند، که مهم ترین آنها عبارت است از روایت اول: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَتْ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ قَالَ أَكْثَرُ مِنْ ذَلِكَ فَقَالَتْ فَخَبِّرْنِي عَنْ شَيْءٍ مِنْهُ فَقَالَ لَيْسَ لَهَا أَنْ تَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِ يَعْني تَطَوُّعًا وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَعَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَبِيبِهَا وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا وَتَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا وَتَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غَدَوَةً وَعَشِيَّةً وَأَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ حَقُّهُ عَلَيْهَا».

(حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۱۱۲ و کلینی، ۱۳۷۵، ۵، ۵۰۸)؛

«امام صادق (ع) می فرماید: زنی خدمت پیامبر آمد و گفت حق شوهر بر زن چیست، پیامبر (ص) فرمود: بیشتر از آنچه می اندیشی، زن گفت: پاره‌ای از آن را بر من بگو، پیامبر (ص) فرمود: زن حق ندارد بی اجازه شوهر روزه مستحبی بگیرد و نیز حق ندارد بدون اذن شوهر از خانه اش خارج شود».

این حدیث از نظر دلالت بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، در صورتی که خروج زن منافی حق استمتاع شوهر نباشد، صریح نیست ولی اطلاق دارد و با اطلاق خود شامل موردی که خروج زن با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد نیز می‌شود.

اما اشکال مهم این حدیث آن است که از نظر سند ضعیف است زیرا در سند آن محمد بن احمد جامورانی، ابی حمزه بطائنی و عمرو بن جبیر عزمی قرار دارند که همه آنها ضعیف هستند و از سوی دانشمندان علم رجال توثیق نشده اند. پس این حدیث قابل استناد نیست. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۲، ۴۴۱)

روایت دوم: «علی بن جعفر فی کتابه، عَنْ أَخِيهِ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ أَلْهَا أَنْ تَخْرُجَ بِغَيْرِ إِذْنِ زَوْجِهَا؟ قَالَ: لَا..» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۱۳ و مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۰، ۲۸۲)؛

«علی بن جعفر در کتابش از برادرش امام کاظم (ع) نقل می کند که از امام سوال کردم که آیا زن می تواند بدون اجازه شوهر از خانه خارج شود؟ امام فرمودند: نه» البته این روایت نیز در دلالت بر قول مشهور صریح نیست ولی اطلاق دارد از این رو با اطلاق خود، شامل قول مشهور شده و دلالت بر عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر دارد اگرچه خروج او با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد.

اشکال این روایت نیز آن است که از نظر سند ضعیف است زیرا این روایت تنها در کتاب علی بن جعفر (ع) که در بحارالانوار نقل شده موجود است و سند آن ضعیف است زیرا در سند آن احمد بن موسی بن جعفر بن ابی العباس و علی بن حسن بن علی می باشد، که از سوی دانشمندان علم رجال توثیق نشده‌اند.

روایت سوم: «عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: «جَاءَتْ امْرَأَةً إِلَى النَّبِيِّ (ص) فَقَالَتْ: يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا حَقُّ الزَّوْجِ عَلَى الْمَرْأَةِ؟ فَقَالَ: لَهَا أَنْ تُطِيعَهُ وَ لَا تُعْصِيَهُ... وَلَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَإِنْ خَرَجَتْ بِغَيْرِ إِذْنِهِ لَعَنَتْهَا مَلَائِكَةُ السَّمَاءِ وَ مَلَائِكَةُ الْأَرْضِ وَ مَلَائِكَةُ الْغُضَبِ وَ مَلَائِكَةُ الرَّحْمَةِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۱۱۲)

«محمد ابن مسلم از امام باقر (ع) نقل می کند که ایشان می فرماید: زنی نزد پیامبر (ص) آمد و عرض کرد: ای رسول خدا حق شوهر بر زنش چیست؟ پیامبر به او فرمود: این که از شوهر اطاعت کند نافرمانی نکند و خارج نشود بدون اجازه او بیرون رود فرشتگان آسمان و زمین و ملائکه غضب و رحمت او را لعن می کنند تا زمانی که به خانه برگردد».

این روایت از نظر سند صحیح است و از نظر دلالت مطلق است در نتیجه شامل قول مشهور می شود و بر عدم جواز خروج زن از منزل بی اذن شوهر دلالت دارد اگرچه خروج با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد ولی نکته ای که این دلالت را تضعیف می کند کیفیت سنگینی است که در ادامه روایت بر خروج زن از منزل بدون اذن شوهر مترتب شده است وجود این مجازات برای زنان سازگار و نیکوکار که برای اموری همانند عیادت پدر و مادر از خانه خارج می شوند آنها به نحوی که منافاتی با حق استمتاع شوهر نداشته باشد با بسیاری از آموزه های دینی منافات دارد.

همچنین مؤید این مطلب آنچه است که از کلام آیت الله خوئی و برخی فقهای متقدم و متأخر فهمیده می شود که عدم جواز خروج زن از منزل بی اذن شوهر، مربوط به خروج متعارف زن سازگار با رعایت حق استمتاع شوهر نیست (قمی، ۱۳۷۹، ۴۵۱) بنابراین حمل بر زنان ناسازگار شده که از وظایف خویش سرباز می زنند و بدون رعایت حق استمتاع شوهر از منزل خارج می شوند.

روایت چهارم: «عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع) قَالَ: إِنَّ رَجُلًا مِنَ الْأَنْصَارِ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ (ص) خَرَجَ فِي بَعْضِ حَوَائِجِهِ فَعَهْدَ إِلَى امْرَأَتِهِ عَهْدًا أَنْ لَا تَخْرُجَ مِنْ بَيْتِهَا حَتَّى يَقْدَمَ، قَالَ: وَ إِنْ أَبَاهَا قَدْ مَرَضَ فَبَعَثَ الْمَرْأَةَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ تَسْتَأْذِنُهُ أَنْ تَعُودَهُ فَقَالَ: لَا، اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ، قَالَ: فَتَقَلُّ فَارْسَلْتُ إِلَيْهِ ثَانِيًا بِذَلِكَ فَقَالَ: اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ، قَالَ فَمَاتَ أَبُوهَا فَبَعَثَتْ إِلَيْهِ إِنَّ أَبِي قَدْ مَاتَ فَتَأْمُرَنِي أَنْ أُصَلِّيَ عَلَيْهِ، فَقَالَ: لَا، اجْلِسِي فِي بَيْتِكَ وَ أَطِيعِي زَوْجَكَ، قَالَ: فَدَفِنَ الرَّجُلُ فَبَعَثَتْ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ قَدْ غَفَرَ لَكَ وَ لِأَبِيكَ بِطَاعَتِكَ لِزَوْجِكَ» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۱۲۵)

امام صادق (ع) فرمود: در زمان پیامبر (ص)، مردی از انصار برای انجام برخی از امور به مسافرت رفت و از زنش پیمان گرفت که از خانه اش خارج نشود تا آنکه او بازگردد. پس در این میان پدر آن زن بیمار شد. زن به پیامبر (ص) پیغام فرستاد و از ایشان اجازه خواست که به عیادت پدرش برود. پیامبر فرمود: نه؛ در خانه ات بنشین و از شوهرت را اطاعت کن.

حال پدرش بدتر شد و زن دوباره از پیامبر (ص) برای رفتن به عیادت پدرش اجازه خواست باز پیامبر (ص) فرمود: در خانه ات بنشین و از شوهرت را اطاعت کن. پدر آن زن فوت کرد سپس زن به پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم پیغام فرستاد که پدرم فوت کرده آیا اجازه می دهی که بر او نماز بگزارم؟ پیامبر فرمود: نه؛ در خانه ات بنشین و شوهرت را اطاعت کن پس هنگامی که پدر دفن شد پیامبر (ص) به آن زن پیام فرستاد که خداوند تو و پدرت را به سبب اطاعتی که از شوهرت کردی بخشیده است، این روایت نیز از نظر سند معتبر است زیرا به دو طریق روایت شده است یکی طریق مرحوم کلینی و دیگری شیخ صدوق؛ اگرچه طریق مرحوم کلینی ضعیف است ولی طریق شیخ صدوق صحیح است. (کلینی، ۱۳۷۵، ۵، ۵۱۳ و صدوق، ۱۳۳، ۳، ۴۴۱)

این روایت از نظر دلالت به صورت واضح دلالت بر قول مشهور دارد زیرا درباره این حدیث نمی توان گفت منع بیرون رفتن مربوط به حق کامجویی شوهر است چون مورد حدیث جایی است که شوهر زن به مسافرت رفته و در خانه حضور ندارد. ولی اشکالی که بر دلالت حدیث وارد است این است که در ابتدای حدیث، مسئله عهد و پیمان میان زن و شوهر مطرح شده است به این معنا که شوهر از زن خود عهد گرفته که تا زمان بازگشت او زن از منزل خارج نشود. بنابراین ممکن است

عدم اذن پیامبر صلی الله علیه وآله و سلم نسبت به بیرون رفتن زن برای عیادت و سپس مراسم دفن پدرش به خاطر عهد و پیمان بوده که میان آن مرد و همسرش بسته شده بود نه اقتضای زناشویی و حق مرد بر زن.

آنچه این مطلب را تایید می کند این است که ممنوع کردن بی قید و شرط خروج زن از منزل طوری که مجاز به عیادت پدر و مادر بیمار و شرکت در مراسم سوگواری آنها نباشد با آموزه های دینی سازگار نیست؛ پس مناسب است که این روایت را حمله بر مورد خاص کرد.

روایت پنجم: «عَنِ الصَّادِقِ عَنِ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ وَ نَهَى أَنْ تَخْرُجَ الْمَرْأَةُ مِنْ بَيْتِهَا بِغَيْرِ اِذْنِ زَوْجِهَا، فَإِنْ خَرَجَتْ لَعَنَهَا كُلُّ مَلَكٍ فِي السَّمَاءِ وَكُلُّ شَيْءٍ تَمُرُّ عَلَيْهِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ حَتَّى تَرْجِعَ إِلَى بَيْتِهَا» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ۱۴، ۱۵۴)

امام صادق (ع) فرمود: پیامبر (ص) نهی نمود از اینکه زن از خانه خود بی اذن شوهر خارج شود، پس اگر زن بی اذن شوهر از منزل خارج شود همه فرشتگان آسمان او را لعن می کنند و نیز هر آن چیزی را که بر او می گذرد از جن و انس او را لعنت می کنند تا به خانه اش بازگردد.

این روایت از نظر سند ضعیف است زیرا شیخ صدوق آن را از طریق شعیب به واقد روایت کرده است در حالی که طریق شیخ صدوق به شعیب واقد صحیح نیست خود شعیب ابن واقد نیز موثق نیست. (صدوق، ۱۳۶۳، ۴، ۵۳۲)

نکته دیگر این که مرتکب گناه کبیره مستحق لعن است در حالی که صرف خروج زن از منزل بدون اذن شوهر اگر گناه هم باشد کبیره بودن آن ثابت نشده است. (شمس الدین، ۱۹۹۶، ۳، ۴۴)

پس ادله قول مشهور مبنی بر ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، هنگام انجام فعل غیر واجب، تمام نیست زیرا آیات مورد استناد دلالتی بر مدعای مشهور ندارند و روایات هم برخی از نظر سند برخی از نظر دلالت و برخی هم از نظر سند و هم از نظر دلالت ضعیف می باشند.

۲-۵) جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر

در مقابل قول مشهور برخی از فقهای امامیه خروج زن از منزل در صورتی که با حق استمتاع شوهر منافات نداشته باشد را جایز می دانند، این گروه معتقدند، دلیلی وجود ندارد بر اینکه خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به طور مطلق حرام باشد اگرچه برای بیرون انداختن زباله مثلاً پایش را از درب خانه بیرون بگذارد یا آن که هنگام غیبت شوهرش به خاطر مسافرت یا زندانی بودن و مانند آن برای دیدن بستگان یا زیارت امام حسین (ع) با رعایت جهات شرعی از منزل خارج شود بر این مطلب به هیچ وجه دلیلی وجود ندارد.

علاوه براین، از کلمات برخی از فقیهان همین نظر به دست می آید که اگر چه کلام آنها عدم جواز خروج زن از منزل بدون اذن شوهر، به طور مطلق است ولی با دقت در عبارات آن ها معلوم می شود که مقصود آنها خروج متعارف زن سازگار با رعایت حق استمتاع شوهر نیست بلکه خروج بی بازگشت زن است بدین معنا که زن از انجام وظایف خویش سرباز زده و بی اعتنا به حق شوهر خانه را ترک کرده، سپس از بازگشت به خانه خودداری کند.

این گروه بر این باورند که ادله متنوعی وجود دارد، که نشان می‌دهد خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در صورت عدم تنافی با حق استمتاع شوهر جایز است. از جمله دلیل بر عدم حرمت دلیل اصل عدم حرمت است، چون دلیل قابل اتکایی بر حرمت خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در صورت عدم تنافی با حق استمتاع شوهر وجود ندارد هنگام شک در اینکه بیرون رفتن زن از منزل حرام است یا خیر؟ مقتضای اصله الاباحه جواز آن است چون فرض این است که خروج زن منافاتی با حق استمتاع شوهر ندارد بنابراین در صورت تمام نبودن ادله حرمت خروج، مقتضای اصل، جواز و اباحه خروج از منزل است، در ضمن آیات قرآن مردان وظیفه دارند زنان خود را به شایستگی نگه دارند و با آنها معاشرت نیکو داشته باشند. «فامسکوهن بمعروف او سرّوهن بمعروف» (بقره/ ۲۳۱) یا در آیه دیگر آمده است: «فامسکوهن بمعروف او فارقوهن بمعروف» (طلاق/ ۲) «پس زنان را به شایستگی نگه دارید یا به شایستگی آزادشان کنید»

این آیات اگرچه مربوط به طلاق است ولی قسمت اول آن‌ها یعنی «فامسکوهن بمعروف» مربوط به رجوع در حال عده و نگه داشتن زن است. (طوسی، ۱۴۳۱، ۲، ۲۴۹ و ۱۰، ۳۰؛ طبرسی، ۱۴۰۳، ۲، ۸۵) خداوند متعال امر کرده که همسر خود را به نحو معروف نگه دارید، واضح است که در نگه داشتن زن به نحو معروف که مورد بحث آیه در هنگام رجوع هست خصوصیتی وجود ندارد، پس بر مرد واجب است همیشه همسر خویش را به نیکی نگه دارد در حالی که ممنوعیت بی دلیل خروج زن از منزل بدون اذن شوهر به گونه‌ای که حتی برای عیادت پدر و مادر یا شرکت در مراسم سوگواری آنها هنگام مرگ بدون اذن شوهر، مجاز نباشد با امساک به معروف منافات دارد و نیز بر خلاف رفتار عقلانی و عقلاست.

یکی از ادله‌ها می‌تواند عسر و حرج باشد، زیرا قول مشهور مبنی بر اینکه مرد حق دارد زن خود را به طور مطلق نسبت به خروج از منزل منع کند در بسیاری از مواقع، موجب عسر و حرج برای زن می‌شود زیرا بر اساس این قول به مرد اجازه داده می‌شود که زن خود را، حتی به زور به طور همیشگی در خانه زندانی کند و این کار برای زن، عواقب روحی فراوانی خواهد داشت.

بنابراین قول ممنوعیت بی قید و شرط خروج زن از منزل بدون اذن شوهر که موجب عسر و حرج برای زن می‌شود با قاعده نفی حرج منتفی می‌شود.

شایان ذکر است هر گاه خروج زن از منزل به شکل غیر متعارف باشد مانند اینکه حجاب شرعی را رعایت نکند یا اگر قصد وی از خروج از منزل، انجام امور حرام باشد در این صورت خروج او از منزل حرام است و ارتباطی به اذن شوهر یا عدم اذن شوهر ندارد در این گونه موارد، مرد از باب نهی از منکر و ریاست خانواده وظیفه دارد در حد امکان همسرش را از این محرمات منع کند.

۶) موارد سقوط اذن

باید توجه داشت لزوم استیذان مطلق که از روایات به دست می‌آید به حکم اولی است و واضح است که این حکم اولی مانند سایر احکام اولیه شاید تحت عناوین ثانویه تغییر پیدا کند، پس خروج زن از خانه، همواره نیازمند اذن شوهر نیست، بلکه در مواردی خروج زن از خانه بدون اذن زوج جایز است که به موارد آن اشاره می‌شود:

الف) ضرورت

قرآن کریم می فرماید: «فمن اضطر غیرباغ و لاعاد فلا اثم علیه» یا در حدیث رفع آمده است: «رُفِعَ عَنِ أُمَّتِي تِسْعَةٌ ... مَا اضْطُرُّوا عَلَيْهِ» (شیخ صدوق، ۱۴۱۴، ۲، ۴۱۷)

ب) انجام واجبات دینی

اطلاق ادله واجبات و عدم تقیید به اذن شوهر، مستلزم جواز انجام دادن این امور حتی بدون اذن شوهر است؛ پس در صورتی که انجام فعل واجب نیاز به خروج از منزل داشته باشد چنین خروجی بدون اذن شوهر نیز جایز است.

ج) عسر و حرج

با استناد به آیات ذیل مثل «مَا جَعَلَ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ» (حج/ ۷۸) و «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ» (بقره/ ۱۸۵) در مواردی که استیذان، باعث سختی و مشقت غیر متعارف برای زوجه شود لزوم شرعی ندارد.

د) ضرر و اذیت

بر اساس قاعده «لاضرر» که در همه ابواب فقه ساری و جاری و به عبارتی مادر قواعد به حساب می آید، اگر استیذان موجب ضرر و اذیت شود که عرفاً برای زوجه قابل تحمل نباشد ضرورت ندارد، «وَ لَا تُضَارُّوهُنَّ لِتُضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ» (طلاق/ ۶) وقتی قرآن درباره زنان مطلقه چنین دستور می دهد به طریق اولی، باید درباره همسران لحاظ گردد.

ذ) شرط ضمن عقد نکاح

اذن خروج، یکی از حقوق شوهر است و از ویژگی بارز حقوق، آن است که صاحب حق به مقتضای تسلطی که بر حقوق خود دارد می تواند با اراده خود از حق خود بگذرد. پس شوهر می تواند بر اساس شروط ضمن عقد نکاح، حق از را تحدید کند.

نتیجه گیری

با بررسی موضوع مطرح شده و بیان آرای فقها به صورت مفصل به نظر می رسد آنچه از مجموعه آراء فقها و دلالت این روایات در ارتباط با قلمرو این حق به دست آمد این گونه است که در اعمال عبادی واجب، اذن شوهر برای خروج از منزل، لازم نیست و در سایر اعمال عبادی آنچه که با حق استمتاع شوهر منافات ندارد ظاهراً نیازمند صدور اذن شوهر نیست، در اعمال غیر عبادی، خروج متعارف زن از منزل بدون اذن شوهر حق استمتاع وی، جایز است، ادله قول مشهور مبنی بر ممنوعیت مطلق خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در انجام فعل غیر واجب تام نیست و بر مدعای آنها دلالت ندارد، روایات مورد استناد نیز برخی از نظر سند و برخی از نظر دلالت و برخی از هر دو جهت، ضعیف هستند، بنابراین خروج زن از منزل بدون اذن شوهر در فرض یاد شده جایز خواهد بود اگرچه مقتضای احتیاط برای زن به دست آوردن اذن شوهر هنگام خروج از منزل است، چون بیرون رفتن زن بدون اذن شوهر در بسیاری از موارد، دشواری هایی را برای خانواده به همراه خواهد داشت، در واقع مصلحت خانوادگی ایجاب می کند که خارج شدن زن از خانه، با رضایت شوهر و مصلحت اندیشی باشد. معقول است که زوجه با هماهنگی و همدلی این موضوع را حل کند.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن زهره، حمزه بن علی، غنیه النزوع، چ اول، قم، موسسه امام صادق (ع). چاپ اول، ۱۴۱۷.
۳. ابن منظور، جمال الدین محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴. اردبیلی، محمد بن علی، جامع الرواه، قم، مکتبه المرعشی النجفی، ۱۴۰۳ق.
۵. جبعلی عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، مسالک الافهام الی تنقیح شرائع الاسلام، قم، موسسه المعارف الاسلامیه. ۱۴۱۸ق.
۶. راغب اصفهانی، حسین بن محمد بن مفضل، مفردات فی غریب القرآن، چاپ دوم، کتاب، ۱۴۰۴ق.
۷. سبزواری، مولی محمد باقر، کفایه الفقه (کفایه الاحکام)، قم، موسسه نشر الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۲۳ق.
۸. شمس الدین، محمد مهدی، مسائل حرجه فی فقه المرأه، چاپ اول، بیروت، موسسه الدولیه، للدراسات و نشر. چاپ اول، ۱۹۹۶م.
۹. صدوق محمد بن علی بن الحسین، من لا یحضره الفقیه، قم، موسسه نشر اسلامی، ۱۳۶۳ش.
۱۰. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، چاپ اول، بیروت، الامیره. چاپ اول، ۱۴۳۱ق.
۱۱. علامه حلی، حسن بن یوسف، قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام، قم، موسسه نشر اسلامی. ۱۴۱۹ق.
۱۲. فاضل مقداد، جمال الدین ابن عبدالله سیوری، کنز العرفان فی فقه القرآن، چاپ پنجم، تهران، انتشارات مرتضوی. چاپ پنجم، ۱۳۷۳ش.
۱۳. فاضل هندی، محمد بن حسن اصفهانی، کشف اللثام عن قواعد الاحکام، قم، موسسه نشر اسلامی. ۱۴۲۴ق.
۱۴. فخرالمحققین، ابوطالب محمد بن حسن، ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد، قم، موسسه اسماعیلیان. چاپ اول، ۱۳۸۹.
۱۵. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، چاپ دوم، تهران، انتشارات اسوه، ۱۳۸۳ش.
۱۶. فضل الله، سیدمحمدحسین، دنیا المره، دار الملائک، چاپ اول، بیروت، چاپ اول، ۱۴۱۸ق.
۱۷. قمی، علی بن محمد، ۱۳۷۹، جامع الخلاف و الوفاق، چاپ اول، قم، زمینه سازان ظهور امام عصر(عج)، چاپ اول، ۱۳۷۹.
۱۸. کلینی رازی، محمد بن یعقوب، الفروع من الکافی، دارالکتب الاسلامیه. چاپ چهارم، ۱۳۷۵.
۱۹. موسوی خویی، سید ابوالقاسم، منهج الصالحین، قم، مدینه العلم آیه الله خویی، ۱۴۱۰ق.
۲۰. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳ ق، بحار الانوار، بیروت، موسسه الوفاء، چاپ دوم، ۱۴۰۳ق.
۲۱. محقق حلی، ابوالقاسم نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، قم، دارالهدی للطباعه و النشر. بی تا.
۲۲. مفید، محمد بن محمد بن نعمان، احکام النساء، قم، موسسه النشر الاسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ق.
۲۳. نجفی، محمدحسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، تهران، المکتبه الاسلامیه، ۱۴۰۱ق.
۲۴. هاشمی شاهرودی، محمود، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (ع)، قم، موسسه دایره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (ع)، چاپ اول، ۱۳۸۹.